

Learning Objectives



Presenter: Dr Gholamnia

Educational Development Center

Babol University of Medical Sciences

Learning objectives

- ▶ Brief statements that describe what students will be **expected to learn** by the end of school year, course, unit, lesson, project, or class period.



۳ Educational Objectives

- Cognitive Domain
- Affective Domain
- Psychomotor Domain



Cognitive Domain

➡ Mental skills

مثال «حیطه شناختی»: فراگیر در پایان دوره آموزشی بتواند ۵ مورد از علل قابل تعدیل بیماری های عروق کرونر قلب را نام ببرد.



Cognitive Domain

► Remember:

- Recalling information
- Recognizing
- Listing
- Describing
- Retrieving
- Naming
- Finding



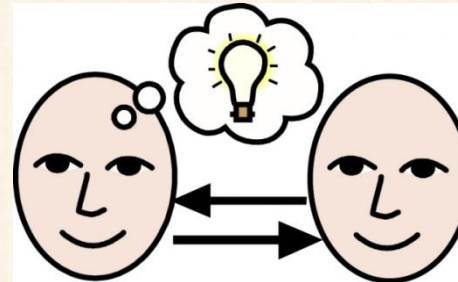
Remember

- فراگیر قادر باشد پس از پایان دوره آموزشی سه شیوه اصلی درمان بیماران مبتلا به سرطان را نام ببرد.
- فراگیر قادر باشد پس از پایان دوره آموزشی سه مورد از اقدامات پرستاری قبل از ترانسفوزیون خون را بیان کند.

Cognitive Domain

► Understand:

- Explaining ideas or concepts
- Interpreting
- Summarizing
- Paraphrasing
- Classifying
- Explaining



Understand

فراگیر باید قادر باشد پس از پایان دوره آموزشی، فیزیوتراپولوژی بیمارهای عروق کرونر را با ۹۵٪ صحت توضیح دهد.
فراگیر قادر باشد پس از پایان دوره فیزیوتراپولوژی اصطلاحات مربوط به واحد سرطان (نظیر متابلازی و دیسپلازی) را
به درستی از یکدیگر تفکیک نماید.



Apply

Cognitive Domain

► Apply:

- Using information in another familiar situation
- Implementing
- Carrying out
- Using
- Executing

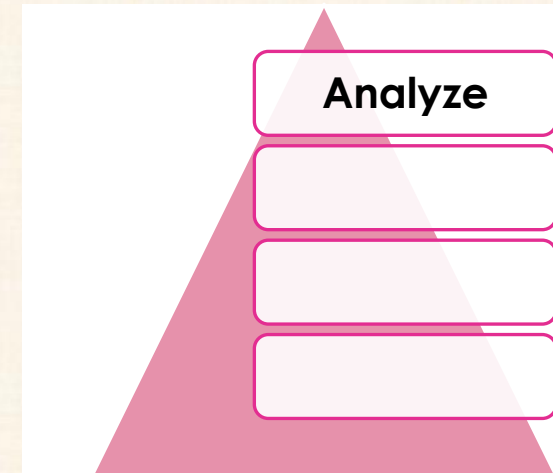
فراگیر قادر باشد پس از پایان دوره آموزشی، نتایج آزمایش CBC را در بالین بیمار با ۱۰٪ خطا تفسیر نماید.
فراگیر قادر باشد پس از پایان دوره آموزشی نوع اختلال اسید و باز را بر اساس نتایج آزمایش ABG و وضعیت بالینی بیمار با صحت کامل تشخیص دهد.

Cognitive Domain



► Analyze:

- Breaking information into parts to explore understandings and relationships
- Comparing
- Organizing
- Deconstructing
- Interrogating
- Finding



فراگیر قادر باشد پس از پایان دوره آموزشی نتایج حاصل از یک نمودار آماری را با ۹۰٪ صحت تفسیر نماید.

فراگیر قادر باشد پروتکل درمانی آرتیمی های قلبی را با ۹۰٪ صحت تفسیر نماید.

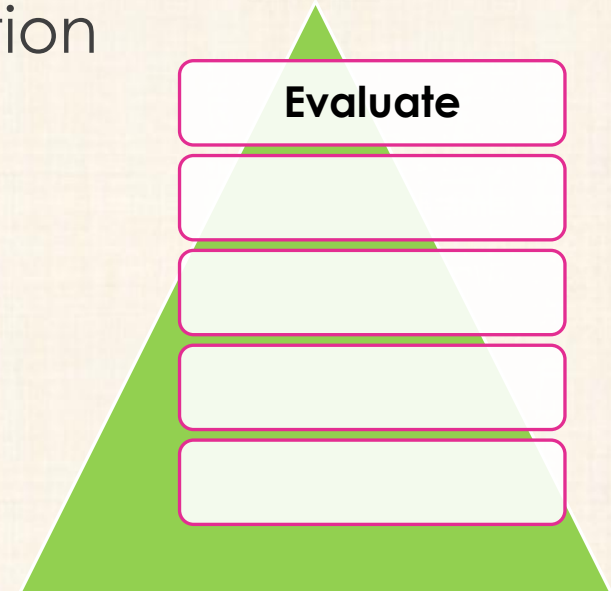
فراگیر قادر باشد بر اساس شواهد کلینیکی و باراکلینیکی، دستورات دارویی صحیح را در پرونده بیمار ثبت نماید.

Cognitive Domain



► Evaluate:

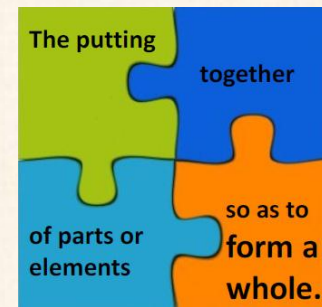
- Justifying a decision or course of action
- Checking
- Hypothesizing
- Critiquing
- Experimenting
- Judging



فراگیر قادر باشد پس از پایان دوره آموزشی، شیوه های درمان دارویی بیماری سل ربوی را براساس رفرانس های معتبر پزشکی با هم مقایسه نماید و بهترین درمان را برای بیمار خود تجویز نماید.

فراگیر قادر باشد تئوری اورم **Orem** را با تئوری روی **Roy** مقایسه نماید.

Cognitive Domain



► Create:

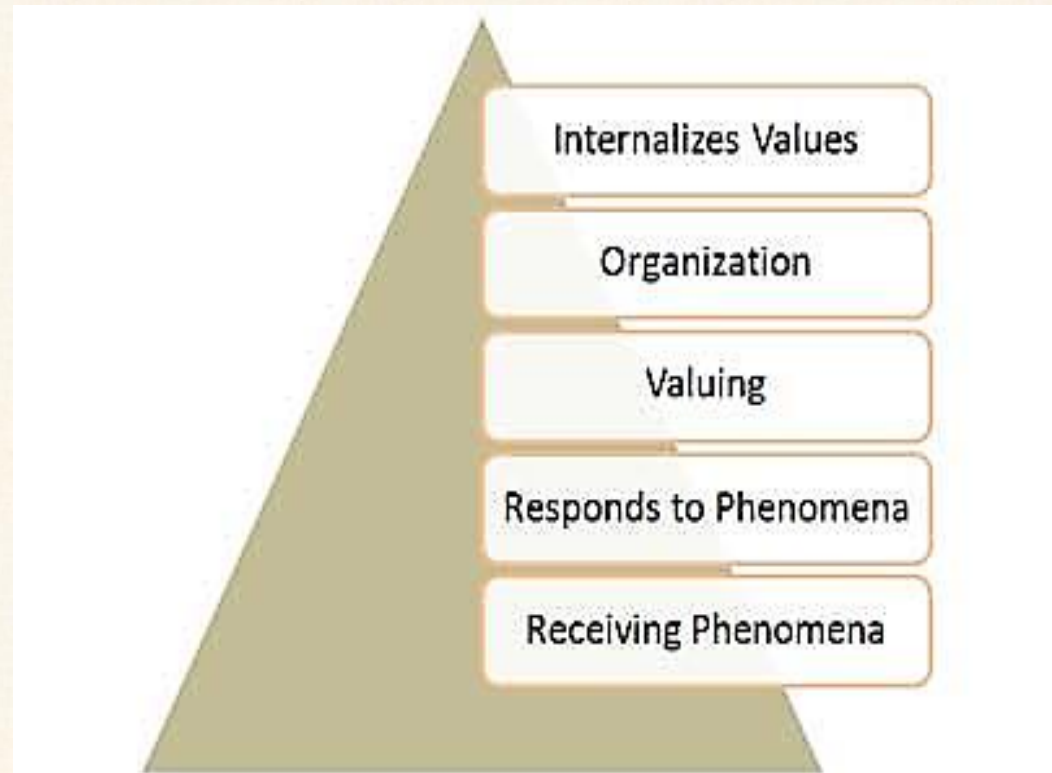
- Generating new ideas, Products
- Designing
- Constructing
- Planning
- Producing
- Inventing



فراگیر قادر باشد پس از پایان دوره آموزشی، یک مقاله در رابطه با آموزش به بیماران مبتلا به صرع بنویسد.
فراگیر قادر باشد پس از پایان دوره آموزشی، طرح مراقبت از خود بیمار دیابتیک را براساس مطالب آموخته شده به
درستی تدوین نماید.

Affective Domain

- Feelings
- Values
- Appreciation
- Motivations
- Attitudes

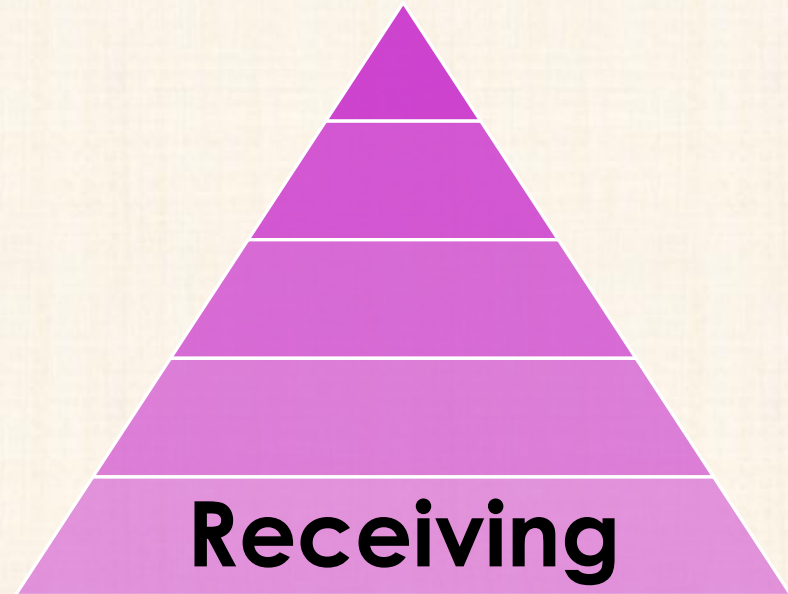


مثال: فراگیر قادر باشد پس از پایان دوره آموزشی، به شان و منزلت بیماران خود احترام بگذارد.

Affective Domain

➤ Receiving:

- Awareness
- Willingness to hear
- Selected attention

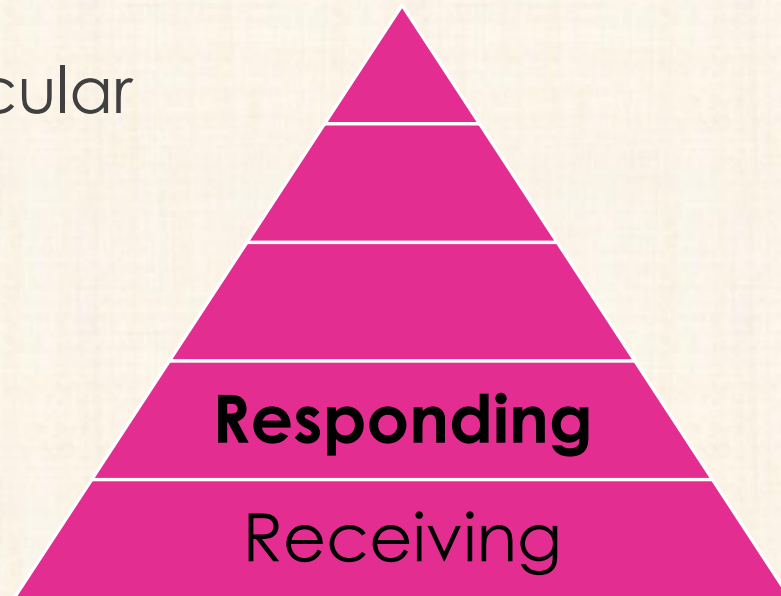


– مثال: فراگیر در تمام مراحل مختلف تدریس با حرکات سر و برقراری ارتباط چشمی نسبت به موضوع آنمی فقر آهن توجه نشان دهد.

Affective Domain

► Responding:

- Active participation on the part of the learners
- **Attend** and **react** to a particular phenomenon



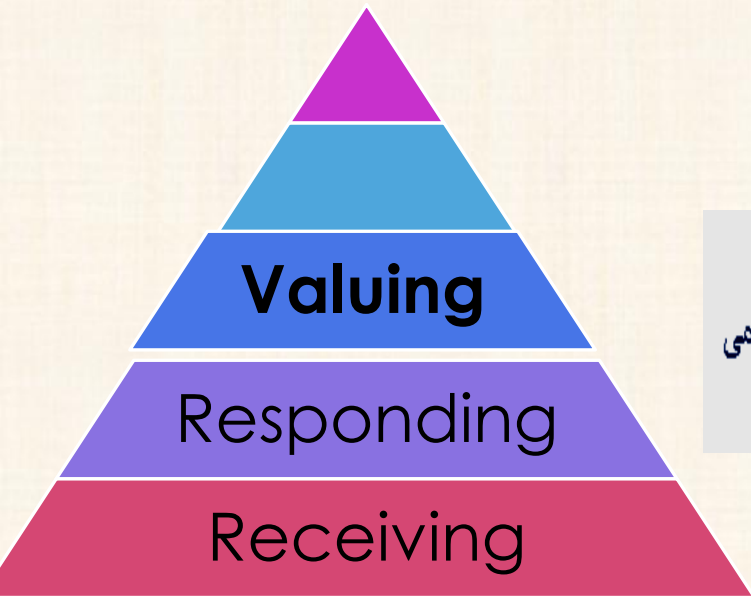
مثال: فراگیر در مراحل مختلف تدریس بررسی سیستم قلب و عروق در بحث های گروهی فعالانه شرکت می کند.

Affective Domain



► Valuing:

- The **worth** or value a person attaches to a particular object, phenomenon, or behavior.



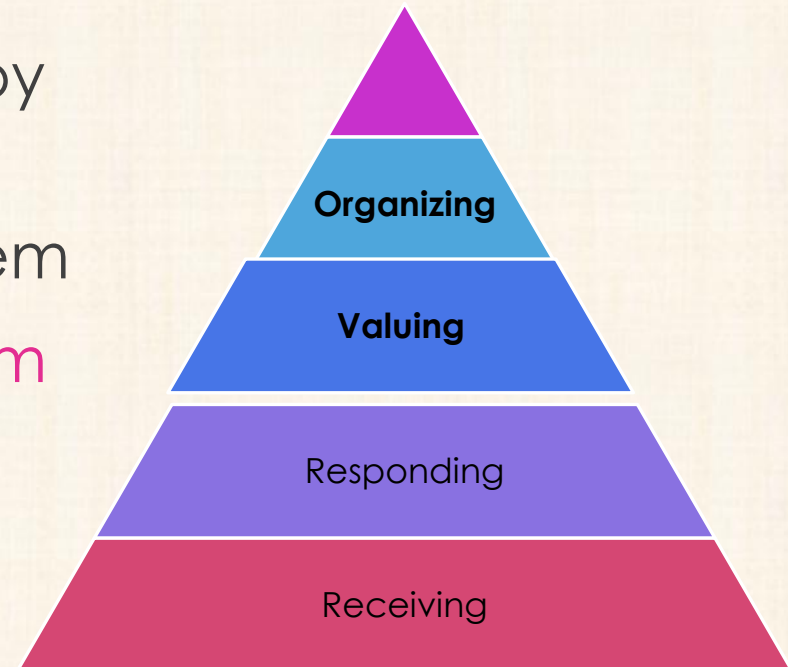
فراگیر قبل از هر تماس با بیمار دچار ضعف سیستم ایمنی بدن، دستهایش را با تکنیک صحیح می شوید.
فراگیر سایر همکاران را به رعایت اصول ایمنی قبل و بعد از تماس با بیمار مبتلا به ایدز AIDS تشویق و ترغیب می کند.

۱۵ Affective Domain



► Organizing”

- Organizes values into priorities by contrasting different values
- Resolving conflicts between them
- Creating an unique value system



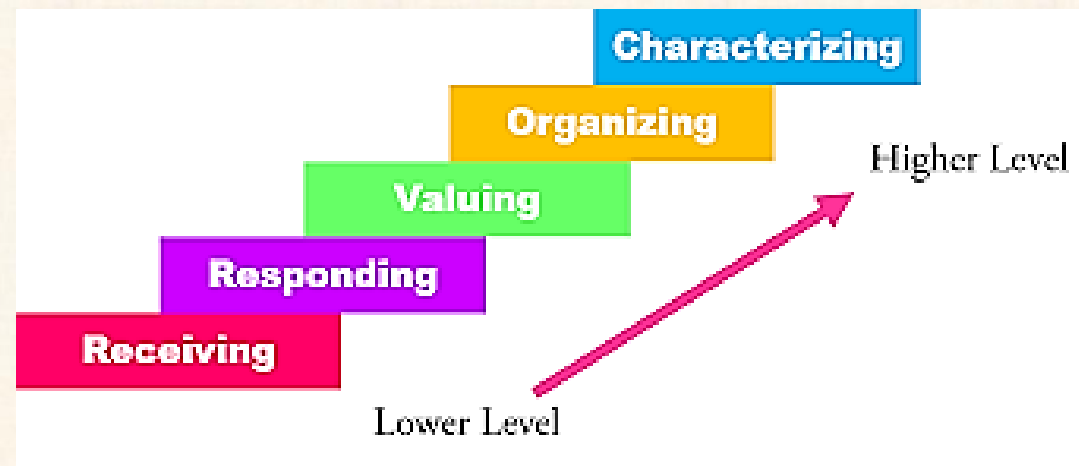
مثال: جهت مداوا و بهبود وضعیت بیمار بد حال در مواقع غیر کشیک از بیمار عیادت می کند

Affective Domain

۱۶

► Characterizing:

- Has a **value system** that controls their behavior
- The behavior is pervasive, consistent, predictable, and most **important characteristic** of the learner



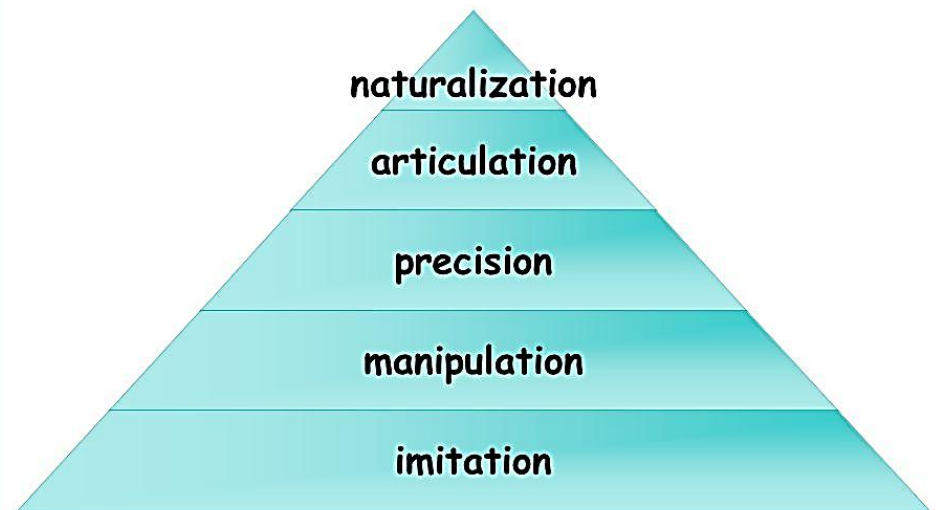
مثال: فراگیر در جهت کسب مجدد سلامتی بیماران، همیشه صادقانه با سایر کارکنان بخش و بیمارستان همکاری می نماید.

Psychomotor Domain

- Manual or physical skills (skills)



Psychomotor domain



Psychomotor Domain

► Imitation:

- Observing and patterning behavior after someone else
- Performance may be of low quality

فراگیر به کمک مربی خود در اتاق براتیک، شیوه صحیح بانسمان به روش استرپل را با ۱۰٪ خطا انجام دهد.
فراگیر به کمک مربی خود در اتاق براتیک نحوه کنترل فشار خون را با ۱۰٪ خطا عملاً نشان دهد.



Imitation

Psychomotor Domain

► Manipulation:

اجرای مستقل: Independent performance

- Being able to perform certain actions by memory or **following** instructions

- فراگیر قادر باشد تحت نظارت مربی، بانسمان ناحیه کلتومی را با ۱۰٪ خطا تعویض نماید.
- فراگیر قادر باشد بطور مستقل و با نظارت مربی، حداکثر با ۵٪ خطا یک مسیر وریدی مناسب برای بیمار برقرار نماید.

Manipulation

Imitation



Psychomotor Domain

➤ Precision:

سرعت و دقت Acceleration and Accuracy

- Refining, becoming more **exact**
Performing a skill within a **high degree** of precision

مثال: فراگیر قادر باشد تزریق عضلانی را با ۱۰۰٪ صحت و عرض دو دقیقه انجام دهد.

Precision

Manipulation

Imitation

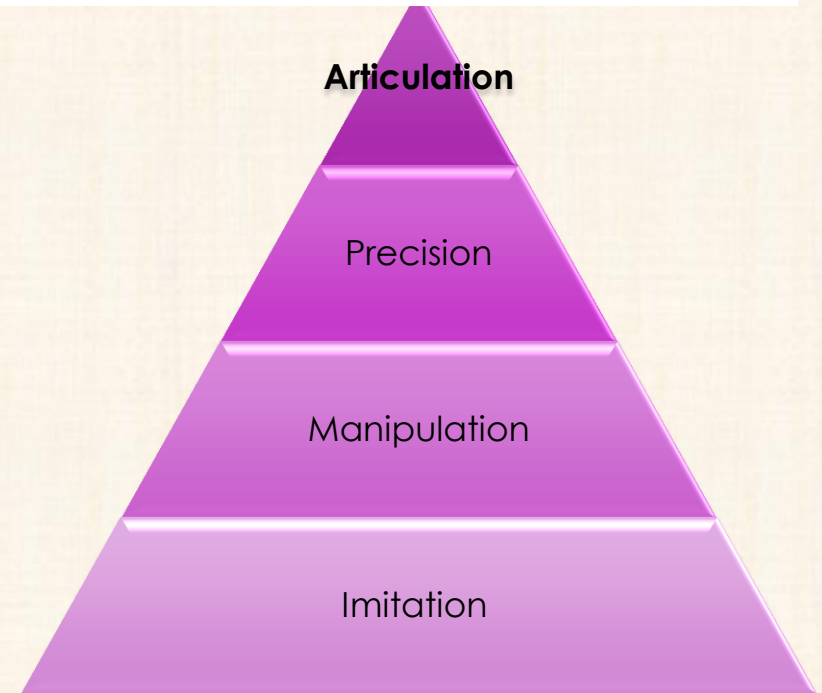
Psychomotor Domain

► Articulation

هماهنگی حرکات Coordination of Actions

- **Coordinating** and adapting a series of actions to achieve harmony and internal consistency.

- فراگیر قادر باشد بوسیله اتوسکوپ گوش بیمار را بدرستی و در عرض یک دقیقه معاینه کند.
- فراگیر قادر باشد به کمک دستگاه Slit- lamp وجود جسم خارجی را در چشم بیمار در عرض دو دقیقه تشخیص دهد.

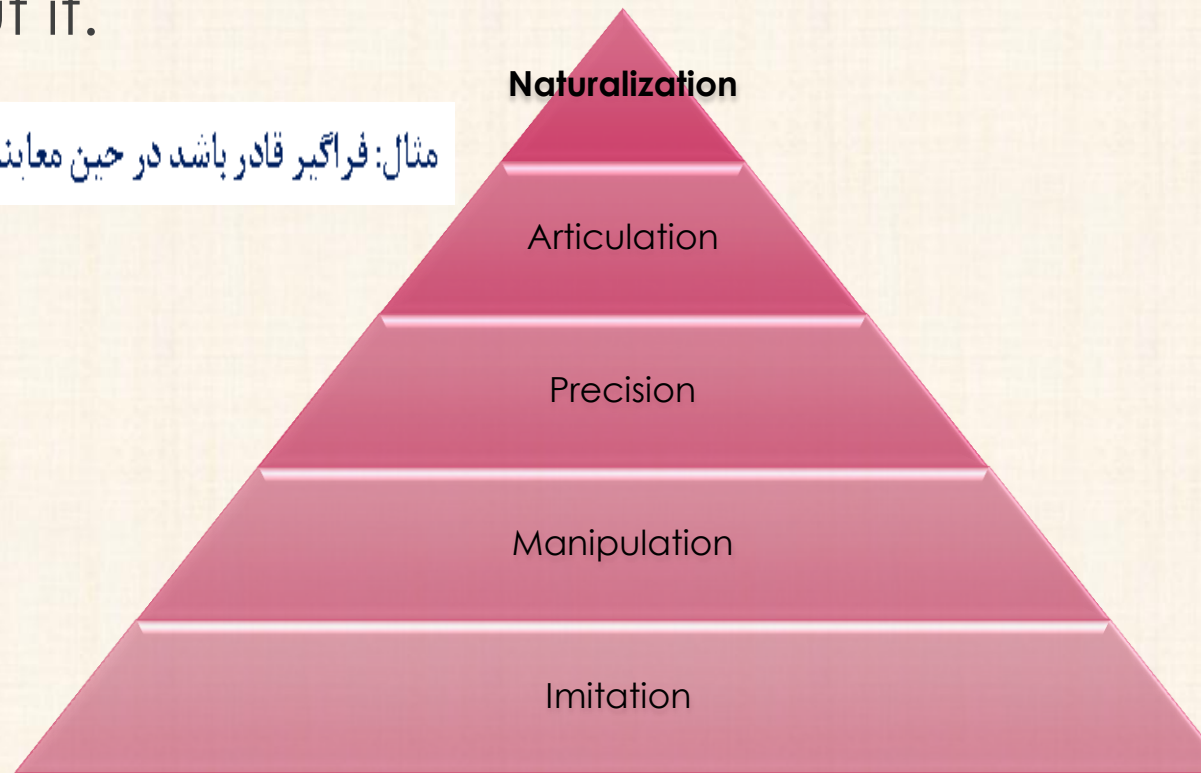


Psychomotor Domain

➡ Naturalization

- **Mastering** a high level performance until it become natural, without needing to **think** much about it.

مثال: فراگیر قادر باشد در حین معاینه چشم با افتالمسکوپ، از بیمار شرح حال دقیق بگیرد.



Conclusion



Domains of learning



Thank you for your attention